

## زمینه‌ها و علل موفقیت گردانندگان سقیفه در تصاحب منصب خلافت

محمود مطهری نیا\*

### چکیده

جانشینی پیامبر ﷺ از قرن‌ها پیش مورد بحث و گفتگو میان مسلمانان بوده و در این میان شیعه دلایل محکم و متقنی در اثبات باور مبنی بر نص و جانشینی علی ﷺ ارائه کرده است. در خدشه به این باور و تواتر غدیر مخالفان تشیع می‌گویند: «اگر چنین است که هزاران صحابه در غدیر خم حضور داشتند و همه شنیدند که رسول خدا ﷺ علی ﷺ را به‌عنوان جانشین خود بعد از وفاتش تعیین کرد؛ پس چرا از هزاران صحابه یکی نیامد و به خاطر غصب شدن حق علی ﷺ اعتراض نکرد.» در نوشتار حاضر با استناد منابع تاریخی و گاه منابع حدیثی و از منظرهای مدیریتی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی به بررسی دلایل موفقیت گردانندگان سقیفه در تصاحب منصب جانشینی رسول خدا ﷺ می‌پردازیم.

### واژگان کلیدی

سقیفه، خلافت، پیامبر اکرم ﷺ، امام علی ﷺ، ابوبکر، عمر بن خطاب، غدیر خم.

### طرح مسئله

جانشینی پیامبر ﷺ از قرن‌ها پیش همواره مورد بحث و گفتگو میان مسلمانان بوده و در این میان شیعه دلایل محکم و متقنی در اثبات باور خود ارائه کرده است. مهم‌ترین و قوی‌ترین دلیل شیعه بر جانشینی امیرالمؤمنین علی ﷺ به‌دست رسول خدا ﷺ خطبه و حدیث غدیر خم است. اتقان خدشه‌ناپذیر ماجرا و حدیث غدیر را در مجموعه بی‌نظیر *الغدیر* مرحوم علامه امینی می‌توان یافت.

motaharinia@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۷

\*. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱

در مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به شبهه‌ای هستیم که این روزها مخالفان شیعه آن را پررنگ کرده، در برابر حدیث و جریان غدیر علم نموده‌اند. برای نمونه در یکی از آثار پرنسخه و مشهور وهابیان که حاوی بیش از ۱۸۰ شبهه علیه اعتقادات شیعه است و نویسنده ادعا دارد طرح این سؤالات باعث هدایت (؟) جوانان شیعه شده، آمده است:

شیعه می‌گوید هزاران صحابه در غدیر خم حضور داشتند و همه شنیدند که رسول خدا ﷺ را به‌عنوان جانشین خود بعد از وفاتش تعیین کرد؛ اگر چنین است پس چرا از هزاران صحابه یکی نیامد و به‌دلیل غصب شدن حق علی ﷺ اعتراض نکرد، حتی عمار بن یاسر و مقداد بن اسود و سلمان فارسی - رضی الله عنهم - چیزی نگفتند و یکی نیامد و نگفت: ای ابوبکر چرا خلافت را از علی غصب می‌کنی و حال آنکه می‌دانی پیامبر ﷺ در غدیر خم چه گفت؟

ابتدا نگاهی بسیار گذرا به جریان سقیفه می‌اندازیم و سپس به دلایل بی‌توجهی صحابه به فحواى حدیث غدیر می‌پردازیم.

### الف) نگاهی گذرا به ماجرای سقیفه

پس از رحلت پیامبر ﷺ، امیرمؤمنان و گروهی از یاران آن حضرت، مشغول انجام مراسم دفن پیامبر ﷺ بودند که جمعی از انصار در «سقیفه بنی‌ساعده» برای تعیین جانشین ایشان گرد هم آمدند. با اطلاع از تشکیل چنین جلسه‌ای، عمر، ابوبکر و ابوعبیده جراح از میان مهاجران خود را به سقیفه رساندند تا فضای آن را به نفع خود سوق دهند. گفتگویی میان سعد بن عباد و حباب بن منذر از میان انصار و مهاجران حاضر رد و بدل شد.<sup>۱</sup> و در نهایت اجتماع سقیفه با معرفی ابوبکر برای خلافت خاتمه یافت و ابوبکر، درحالی‌که عمر و ابوعبیده و گروهی از مردان قبیله اوس دور او را گرفته بودند، رو به مسجد رسول خدا ﷺ آورد و سعد نیز با یاران خود به منزل رفت.<sup>۲</sup>

### ب) چرایی تشکیل سقیفه توسط انصار

#### ۱. آگاهی به ممانعت قریش از جانشینی حضرت علی ﷺ

از آخرین روزهای حیات رسول خدا ﷺ شواهد و قرائنی در دست است که نشان می‌دهد قریش

۱. ابن قتیبه، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۲۱.

۲. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۷۹ (چاپ زکار، ج ۲، ص ۲۵۷)؛ ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۵، ص ۲۴۷؛

طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۳، ص ۲۰۳ و ...

تمایل به جانشینی امام علی علیه السلام ندارند و برای نیل به خواسته خود از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کنند. آنان که در منابع تاریخی با تعبیر اصحاب عقبه از ایشان یاد شده، در آخرین اقدام خود پس از غدیر برای ممانعت از خلافت امام علیه السلام حتی تلاش نافرjامی در ترور پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند.<sup>۱</sup>

## ۲. ترس از قدرت‌یابی قریش و انتقام گرفتن آنان از انصار

قریش تا آخرین سال‌های حیات مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله بر عداوت و دشمنی خود با انصار پافشاری کردند و تنها پس از فتح مکه بود که به‌ناچار ایمان آوردند و البته نومسلمانان بعد از فتح مکه با عنوان طلقا (آزادشدگان) از بقیه قابل تفکیک بودند. آنان که حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله را (که خویش و هم‌قبیله ایشان بود) نگاه نداشته بودند چگونه می‌توانستند حرمت انصار را نگه دارند که آنان را قاتلان خویشان خود می‌دانستند. از همین رو طبیعی بود که انصار از حاکمیت قریش و انتقام جنگ‌های دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنان، وحشت داشته باشند.<sup>۲</sup>

## ۳. ضعف ایمان انصار و وجود منافقان در میان آنان

همه انصار از ایمان متعالی بهره‌مند نبودند. درباره ضعف ایمان آنان می‌توان به اعتراض جدی برخی از انصار به نحوه تقسیم غنائم حنین، توسط رسول صلی الله علیه و آله اشاره کرد که آنان با گستاخی ضعف ایمان و دنیاطلبی خود را نشان دادند.<sup>۳</sup> جالب است بدانیم آن دسته از انصار که از بیعت با ابوبکر سرباز زدند، با حضرت علی علیه السلام نیز بیعت نمودند و در واقع دنبال حاکمیت خود بودند، نه تعیین بهترین گزینه برای جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله. این مطلب را به خصوص در عبارات حباب بن منذر در سقیفه می‌توان دریافت. حال کسانی که بر رسول خدا در تقسیم اندک غنیمتی می‌شورند، آیا می‌توانند فرمان‌پذیر و مطیع او در نصب حاکمیت و تعیین جانشینی باشند؟

## ج) دلایل موفقیت گردانندگان سقیفه

### یک. دلایل مدیریتی

#### ۱. سرعت عمل گردانندگان در زمان اشتغال بنی‌هاشم به امر تدفین

برخی از انصار بنا بر تشخیص نابجا در همان ساعاتی که خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله و اصحاب مشغول

۱. برای نمونه بنگرید به: صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۹۹؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۹۱.

۲. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۲؛ ابن‌قتیبه، الامامه و السیاسة، ص ۲۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۵۴.

۳. ابن‌کثیر، البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۳۵۷؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۵، ص ۱۷۶.

دفن ایشان بودند، اجتماع سقیفه را تشکیل دادند و گروه کوچکی از مهاجران نیز بی‌درنگ خود را به این جمع رسانده بودند. شورای سقیفه پیش از اتمام مراسم دفن پایان یافته بود، بی‌آنکه مهم‌ترین مهاجران و صحابه رسول خدا ﷺ مانند امام علی علیه السلام، ابن عباس، طلحه، زبیر و بسیاری دیگر از یاران شاخص در آن حضور داشته باشند. طبیعی است در چنین شرایطی سرعت عمل، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. با از دست رفتن زمان معلوم نبود نتیجه چه می‌شد و مردم و بزرگان چه تصمیمی می‌گرفتند. عجله برای پایان دادن به ماجرای جانشینی در سقیفه از همین رو بود. عمر همیشه می‌گفت: «بیعت با ابوبکر شتاب‌زده و ناگهانی بود و خداوند مسلمانان را از شر آن حفظ نمود و هر کس به این شکل در انتخاب خلیفه عمل نماید، او را بکشید.»<sup>۱</sup>

این سرعت عمل تا آنجا بود که اهل سقیفه در مراسم دفن پیامبر خدا ﷺ شرکت نداشتند.<sup>۲</sup>

## ۲. برنامه‌ریزی و آمادگی قبلی گردانندگان سقیفه

از مجموعه گزارش‌های تاریخی نه‌تنها برنامه‌ریزی قبلی را می‌توان دریافت که حتی ظاهراً ترتیب تصدی پست خلافت هم تا حدی مشخص شده بود. امام علی علیه السلام روزی به عمر فرمود: «پستان خلافت را بدوش که نیم دوشاب، از آن توست، اساس حکومت او را استوار کن تا فردا زمام خلافت را در دست تو بگذارد.» شأن نزول آیه ۳ و ۴ سوره تحریم بی‌ربط به این ماجرا نیست و علاوه بر آن، خلیفه دوم بارها می‌گفت: اگر ابوعبیده یا سالم، غلام حذیفه زنده بودند خلافت را به ایشان واگذار می‌کردم. این دو نفر در زمان خلافت خلیفه دوم و ضمن طاعون عمواس در شام مردند.

سال‌ها پیش از آن، ابوبکر در آستانه مرگش عثمان را طلبید تا برای جانشینی وصیت‌نامه بنویسد. در میانه نوشتن ابوبکر غش کرد. عثمان در کاغذی که می‌نوشت ادامه داد: «اما بعد، من بر شما عمر بن الخطاب را خلیفه قرار دادم و از خیرخواهی شما کوتاهی نکردم.» چون ابوبکر به هوش آمد گفت: بخوان. عثمان نوشته را خواند. ابوبکر گفت: ... من همین را می‌خواستم بگویم.<sup>۳</sup> این واقعه تاریخی نشان می‌دهد عثمان خبر داشته ابوبکر چه کسی را می‌خواهد بعد از خود برای خلافت تعیین کند. ابن سعد از سعید بن عاص اموی نقل می‌کند که وی از خلیفه دوم، زمینی جنب خانه خود می‌خواست تا خانه‌اش را وسعت دهد. خلیفه به او گفت: بعد از نماز صبح بیا تا کارت را انجام دهم. سعید به دستور

۱. بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۱، ص ۵۸۱ (چاپ زکار، ج ۲، ص ۲۶۱)؛ مقدسی، *البدء والتاریخ*، ج ۵، ص ۱۹۰؛

ذهبی، *تاریخ الإسلام*، ج ۳، ص ۸؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۵۸.

۲. ابن هشام، *سیرة النبویه*، ج ۲، ص ۶۶۱ - ۶۵۸.

۳. ابن اثیر، *أسد الغابة*، ج ۳، ص ۶۶۶؛ ابن حجر عسقلانی، *الإصابة*، ج ۷، ص ۱۹۸؛ بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۱۰،

خلیفه، پس از نماز صبح نزد او رفت و با او به زمین مورد نظر رفتند. خلیفه با پای خود روی زمین خطی کشید و گفت: این هم مال تو. سعید بن عاص می‌گوید: گفتم: یا امیرالمؤمنین من عیال دارم قدری بیشتر بده.

عمر گفت: اینک این زمین تو را بس است، ولی سَرّی می‌گویم که پیش خود نگهدار. بعد از من کسی روی کار می‌آید که با تو صلّه رحم می‌کند و حاجت را برآورده می‌سازد! سعید می‌گوید: در طول خلافت عمر بن خطاب صبر کردم تا عثمان به حکومت رسید و او همچنان که عمر گفته بود، با من صلّه رحم کرد و خواسته‌ام را برآورد.<sup>۱</sup> از این روایت روشن می‌شود خلیفه دوم با نقشه‌ای که برای بعد از خود کشیده بود، می‌دانست بستگان سعید اموی یعنی عثمان به خلافت می‌رسد.

### ۳. بیعت سه مرحله‌ای: زمانبری و صبر تا نیل به اهداف

۳-۱. بیعت در متن سقیفه (بیعت صوری) گردانندگان سقیفه از قبل برای این موضوع آمادگی داشتند و به‌رغم رخداد ناگهانی آن توانستند به دلایل یاد شده کنترل حوادث را در دست بگیرند. آنان ابتدا به بهانه حدیثی از پیامبر ﷺ که امامان را از قریش معرفی می‌کرد و سپس ادعای قرابت با پیامبر ﷺ، انصار را از میدان خارج کردند. پس از خروج رقبا، عمر در میانه بحث دست ابوبکر را به‌عنوان بیعت فشرّد و سپس بشیر بن سعد از قبیله خزرج و نیز اسید بن حضیر، رئیس قبیله اوس - که هر دو با ابوبکر و عمر انس و نزدیکی داشتند - دست ابوبکر را به‌عنوان بیعت گرفتند و این در حالی بود که هنوز بحث بر سر آنکه حکومت را چه کسی عهده‌دار شود، جریان داشت. پس از آن بعضی افراد برای عقب نماندن از قبیله رقیب به‌سوی ابوبکر دویدند و عمر فریادکنان، قتل سعد بن عباد را به دلیل مخالفت با این بیعت خواستار شد و هم‌زمان سعد بن عباد و حباب بن منذر و ... لگدکوب هواداران و بیعت‌کنندگان با ابوبکر شدند.

۳-۲. بیعت در شهر مدینه (بیعت اکراهی) در مرحله دوم، بیعت گرفتن از مردم در خارج سقیفه در دستورکار قرار گرفت. در این مرحله با پشتیبانی قبیله بنی‌اسلم، افراد را به هر شکل وادار به بیعت می‌کردند، تا جایی که حتی دست مردم را می‌گرفتند و به‌دست ابوبکر می‌زدند و ادعای بیعت مردم با ابوبکر را منتشر می‌کردند. این روایات همگی تصریح می‌کنند بیعت عمومی و مردمی، با زور و تهدید گرفته شد.<sup>۲</sup>

۳-۳. بیعت با مخالفان و خارج مدینه (بیعت اجباری) در مرحله سوم برخورد با مخالفان داخل و خارج مدینه و بیعت گرفتن از خواص اصحاب در دستور قرار گرفت.

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۳ - ۲۰.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۱۹.

## دو. دلیل اجتماعی: شرایط زمانی

مسلمانان در شرایط خاصی به سر می‌بردند و این امر در حصول موفقیت اهل سقیفه بی‌تأثیر نبود:

### حالت شوک و بهت روحی مسلمانان به واسطه رحلت رسول خدا ﷺ

مردم در آن مقطع زمانی ضربه روحی شدیدی را تجربه کرده بودند. رسول خدا ﷺ کاملاً در دسترس مسلمانان بود و در نهایت صمیمیت و تواضع پاسخ‌گوی آن. بخشی از آن را برای نمونه در سوره احزاب آیه ۵۳ می‌توان مشاهده کرد. بدیهی است که نباید توقع داشته باشیم مردم در روزهای آغازین از دست دادن شخصیت محبوب خویش حالت عادی و طبیعی داشته باشند و در نتیجه عکس‌العمل و رفتار مورد توقع نیز از آنان سرنخواهد زد.

### سه. دلایل نظامی

مهم‌ترین و جدی‌ترین دلایل موفقیت گردانندگان سقیفه صبغ‌ای نظامی دارند که گاه باعث می‌شود بیش از هر چیزی به کودتای نظامی شباهت یابد. دلایلی که از این پس خواهیم دید خود به تنهایی برای به‌دست آمدن موفقیت کفایت می‌کرد.

#### ۱. روحیات شخصی عمر بن خطاب (عصیبت و خشونت در اجرای خواسته‌ها)

فرماندهی نظامی ماجرای سقیفه و قبیلہ بنی‌اسلم را که در ادامه به نقش آنها خواهیم پرداخت، آن‌گونه که از منابع برمی‌آید، خلیفه دوم برعهده داشت و براساس گزارش‌های موجود در منابع تاریخی، (خصوصاً منابع اهل سنت) وی دارای خشونت ذاتی و اخلاق گزنده و تند بود که همگان از آن اطلاع داشته‌اند.<sup>۱</sup> این خشونت و ترس از او به حدی بوده که یک بار غلام زبیر بعد از نماز عصر به نماز ایستاد. در همان لحظه متوجه شد که عمر با شلاق خود به طرف او می‌آید و بلافاصله از آنجا فرار کرد.<sup>۲</sup> از نقل‌های تاریخی چنین برمی‌آید خلیفه اجازه خروج همسرش از منزل را حتی برای نماز و به‌رغم اصرار فراوان او نمی‌داده است.<sup>۳</sup> در نقلی از منابع متقدم - که در دوره‌های اخیر شهرت پیدا کرده - خشونت عجیبی به خلیفه دوم نسبت می‌دهند که فرزند خود عبدالرحمن را چنان تنبیه می‌کند که منجر به مرگ او می‌شود.<sup>۴</sup>

۱. برای نمونه بنگرید به: ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۴۵؛ ابن‌اثیر، أسدالغابة، ج ۳، ص ۶۴۲؛ ابن‌حجر

عسقلانی، الإصابة، ج ۴، ص ۴۸۴؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱۰، ص ۲۸۶ و ... .

۲. بسوی، المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۳۶۵ - ۳۶۴.

۳. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱۰، ص ۳۲۸؛ ابن‌عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۴، ص ۳۲۴.

۴. بنگرید به: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۷۵؛ ابن‌اثیر، نهاية الأرب فی فنون الأدب، ج ۴، ص ۹۰.

عبدالرحمن فرزند خلیفه و برادر عبدالله بن عمر زاده زینب بنت مضعون (خواهر عثمان بن مظعون) در مصر شراب می‌خورد و عمرو عاص بر او حد جاری کرده و به مدینه می‌فرستد. خلیفه که فرزند را می‌بیند، دوباره او را به قدری شلاق می‌زند که یا همانجا<sup>۱</sup> یا یک ماه بعد به واسطه بیماری ناشی از آن یا غیر آن<sup>۲</sup> فوت می‌کند.<sup>۳</sup> نقل شده روزی درگیری لفظی شدیدی میان عبیدالله بن عمر و مقداد در می‌گیرد. خلیفه دوم عهد می‌بندد زبان پسرش را ببرد که با وساطت مردم خشمش فروکش می‌کند.<sup>۴</sup> با در نظر گرفتن مجموعه این خشونت‌ها می‌توان ترس مردم را از فرجام سقیفه دریافت.

## ۲. پشتیبانی نظامی قبیله بنی‌اسلم

به‌اقرار خلیفه دوم، پشتوانه و حمایت مسلحانه قبیله بدوی «بنی‌اسلم» از گردانندگان سقیفه<sup>۵</sup> در پیروزی ماجرا به نفع آنان نقش کلیدی و بسزایی داشت.<sup>۶</sup> چیزی که بی‌شبهت به کودتای نظامی نبود. شیخ مفید در کتاب *الجمال* از قول ابومخنف نقل می‌کند که در آن زمان، صحرائشینان عرب به‌دلیل ناامنی صحرا برای خرید خواروبار، به صورت قبیله‌ای به شهر می‌آمدند؛ زیرا اگر تعداد کمی از آنان می‌آمدند، بارشان رבוده و خونشان ریخته می‌شد. مردان قبیله اسلم از صحرا به مدینه آمده بودند تا آذوقه تهیه کنند. در آن زمان که وارد مدینه شدند، بیعت با ابوبکر در سقیفه انجام شده بود. عمر و بقیه به آنان گفتند: بیایید کمک کنید برای خلیفه پیامبر بیعت بگیریم، تا ما هم آذوقه رایگان به شما بدهیم. آنها خوشحال شدند و با بیعت به تشکیلات ابوبکر پیوستند؛ آنگاه دامن‌های عربی خود را به کمر زدند و کوچه‌های مدینه را پُر کردند. به هر جا می‌رسیدند، در بازار، کوچه و ... هرکس را که می‌دیدند برای بیعت با ابوبکر می‌آوردند. بدین ترتیب، ابوبکر به کمک قبیله اسلم خلیفه شد.<sup>۷</sup>

## ۳. برخورد قاطع و چندگانه با مخالفان (تطمیع، تهدید، تبعید، تجاوز و ترور)

پس از مخالفت جمعی از مسلمانان (و به‌خصوص انصار در شب دوم وفات پیامبر ﷺ) با ماجرای جانشینی مطرح شده، ابوبکر شورایی مرکب از عمر بن الخطاب و ابوعبیده جراح و مغیره بن شعبه

۱. همان؛ ابن‌عبدربه، *العقد الفرید*، ج ۸، ص ۶۲.

۲. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۳، ص ۷۵.

۳. ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۲، ص ۸۴۲؛ ابن‌اثیر، *أسدالغابة*، ج ۳، ص ۳۷۴.

۴. ابن‌عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۳۸، ص ۵۹.

۵. ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۲، ص ۳۳۱.

۶. همو، *نهاية الأرب فی فنون الأدب*، ج ۱۹، ص ۳۶؛ طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۳، ص ۲۲۲.

۷. مفید، *الجمال و النصره لسید العتره فی حرب البصرة*، ص ۱۱۵.

تشکیل داد تا علاوه بر آن تصمیم بگیرند با کسانی که بیعت نکرده‌اند چگونه رفتار کنند؟ نظر شورا بر این شد که بهترین راه، تطمیع عباس، عموی پیامبر است تا سهمی برای او و فرزندانش از حکومت قرار دهند و بدین ترتیب، علی علیه السلام تنها بماند.<sup>۱</sup>

عباس با آنان همراهی نکرد و پس از آن با توجه به پاسخ نه چندان مورد توقع عباس و قاطعیت و صلابت دیگر مخالفان در مخالفت، شاهد بدترین رفتارها با آنان هستیم.

در رأس مخالفان می‌توان به حضرت زهرا علیها السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام و طرفداران ایشان، زبیر و نیز سعد بن عباد اشاره کرد. گردانندگان سقیفه با تسلط بر اوضاع، برای بیعت به سراغ بزرگان صحابه آمدند و وقتی با مقاومت و مخالفت آنها مواجه شدند، مخالفان خود را از طریق ضرب و شتم سرکوب کردند.

«ابوذر»، «سلمان» و «مقداد» را آن‌گونه زدند که سلمان نقل می‌کند: «گردنم همچون غده ای ورم کرد و بالا آمد» و اگر امام علی علیه السلام به فریادش نرسیده بود، او را کشته بودند.<sup>۲</sup>

«بریده اسلمی» را به دستور عمر با ضرب و جرح از مسجد بیرون کردند، به سبب این که در مسجد به ابوبکر می‌گفت: این حدیثی که تو از پیامبر نقل می‌کنی که نبوت و خلافت در یک نسل جمع نشود، دروغ است و شما همان دو نفری هستید که رسول خدا صلی الله علیه و آله به شما فرمود: خدمت علی بروید و به وصف ولایت او بر مؤمنان سلام بگویید و شما هم گفتید: آیا دستور خدا و رسول است؟ و آن حضرت هم فرمود. آری. بریده اسلمی می‌گفت: شما دروغ‌گو هستید و به خدا قسم در شهری که تو امیر آن باشی، سکونت نمی‌کنم. پس از آن به دستور عمر او را کتک زدند و بیرون انداختند.<sup>۳</sup>

سعد بن عباد، بزرگ خزرجیان، از همان سقیفه مخالفت خود را علنا ابراز داشت و هرگز بیعت نمود و می‌گفت: ما جز با علی علیه السلام بیعت نمی‌کنیم،<sup>۴</sup> پس از مدتی به طرز مخفیانه و مرموزانه کشته شد و در میان مردم شایع شد که جنیان (!) او را کشته‌اند!!

#### ۴. ترس و بزدلی مسلمانان و بهانه عدم تجدید بیعت

وقتی توده مردم خشونت عمر بن خطاب را در کنار افراد مسلح قبیله بنی اسلم در تمام کوچه‌های مدینه دیدند و رفتار قاطع نودولتیان در برخورد با دیگر صحابه مانند زبیر و مقداد و سعد بن عباد را

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲. مفید، الاختصاص، ص ۹.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۰.

۴. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۹۹؛ ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۲، ص ۲۰۶؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۲۵۰ (چاپ زکار، ج ۱، ص ۳۹۰)؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۴۶۴؛ ابن خلدون، دیوان المبتدا و الخبر، ج ۲، ص ۳۵۲ و ...



مشاهده کردند، از ترس اینکه مبادا آنان نیز دچار چنین فرجامی شوند، بیعت با ابوبکر را بهانه کرده و از بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام سرباز زدند؛ حال آنکه کمتر از سه ماه پیش از آن در غدیر با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت بسته بودند و طبیعتاً باید آن را بهانه می‌کردند و با دیگران بیعت نمی‌نمودند. عجیب است مسلمانان در جنگ‌های دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله و در نبرد با دشمنان و کفار شجاعت بیشتری از خود نشان داده بودند و اکنون بصیرت، شجاعت را یکجا از کف داده بودند.

#### ۵. تنهایی امیرالمؤمنین و کمبود یاران وفادار و شجاع

برخلاف طرف مقابل که به اشکال مختلف و ابزارهای گوناگون مردم را از سر راه خود برداشت، امام علی علیه السلام یاران کافی برای مقابله و خنثی‌سازی اقدامات آنان در اختیار نداشت. امام باقر علیه السلام در تحلیلی از وقایع پس از فوت رسول صلی الله علیه و آله می‌گوید: «به خدا قسم! اگر علی علیه السلام به جای عقیل و عباس، «جعفر» و «حمزه» را داشت، هرگز در خانه نمی‌نشست.»<sup>۱</sup> امام علی علیه السلام نیز در نقل‌های گوناگون تعداد چهل،<sup>۲</sup> سی،<sup>۳</sup> و حتی بیست<sup>۴</sup> نفر یار را برای به نتیجه رسیدن اقدام خویش کافی می‌دانست. امام علیه السلام در *نهج البلاغه* در تحلیلی از اوضاع پس از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پس در کار خود اندیشیدم و دیدم که به غیر از اهل بیت خود یآوری ندارم و راضی نشدم که آنان کشته شوند و با تیغی در چشم و استخوانی در گلو صبر کردم.»<sup>۵</sup>

#### ۶. جمع نشدن یاران و مدافعان اندک حضرت علی علیه السلام در زمان و مکان واحد

امام علیه السلام پس از فراهم شدن شرایط، تلاش خویش را برای تجمیع نیرو و متحد کردن یاران به‌کار برد. ایشان با همسر و فرزندان خود بر در خانه‌های انصار رفت، شاید بتواند حق از دست رفته خود را بازپس گیرد. تلاش امام علیه السلام به نحوی بود که ایشان را متهم به حرص بر خلافت کردند.

تعدادی از مخالفان حکومت، یار و همراه حضرت علی علیه السلام بودند و عده‌ای انگیزه‌های دیگری داشتند. متأسفانه آنچه در میان گروه اول شاهدیم، عدم اتحاد و حضور ایشان در زمان و مکان است.

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۱۸۹؛ مجلسی، *بحارالأنوار*، ج ۲۸، ص ۳۷۲؛ ابن‌طاووس، *طرف من الأنباء و المناقب*،

ص ۵۰۶؛ ابن‌ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۱، ص ۱۱۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۲؛ مولی صالح المازندرانی، *شرح الکافی*، ج ۱۱، ص ۲۸۰؛ مجلسی، *بحارالأنوار*، ج ۲۸، ص ۳۱۲.

۳. مجلسی، *الکافی*، ج ۸، ص ۳۲.

۴. عیاشی، *تفسیر عیاشی*، ج ۲، ص ۶۸ - ۶۶.

۵. *نهج البلاغه*، خطبه ۲۶.

عده‌ای از مخالفان حکومت در مدینه سرکوب می‌شوند و آنان که خارج مدینه بودند به منع و نپرداختن زکات اکتفا می‌کنند و حاکمیت هم به بهانه ارتداد آنان سرکوب‌شان می‌سازد.

#### چهار. دلایل فرهنگی

##### ۱. رسوخ عقاید جاهلی

هرچند عقاید و باورهای جاهلی در دوره رسول خدا ﷺ تغییر یافته بود؛ لیکن همچنان بخش قابل توجهی از مردم از آن باورها دست نکشیده و در مواردی نسبت به احکام اسلامی مورد تعلیم رسول خدا ﷺ معترض بودند. در میان روحيات و اخلاقیات دوره جاهلی جهل و گمان‌پذیری<sup>۱</sup> (به جای یقین‌پذیری) و تعصب و قبیله‌گرایی<sup>۲</sup> - که مورد اشاره و تأکید آیات قرآن نیز است - از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

##### ۲. ویژگی‌های شخصی ابوبکر (شیخوخت، سبقت در اسلام، نسبت خویشاوندی با رسول خدا ﷺ)

ابوبکر در این ایام، حدوداً ۶۰ ساله است. او پدر عایشه، همسر رسول خدا ﷺ و به بگاء و عابد بودن مشهور و در مقایسه با سایر اصحاب سقیفه از ویژگی سبقت در اسلام بهره‌مند است. طبیعی بود که مجموعه این عوامل و ویژگی‌ها می‌توانست تسهیل‌کننده چشم‌پوشی بر جانشینی امیرالمؤمنین ﷺ باشد و ماجرای سقیفه نوعی دعوای خانوادگی و اختلاف ساده درونی در نظر گرفته شود.

##### ۳. ویژگی و خصایص امیرالمؤمنین ﷺ (جواری، قاطعیت در اجرای احکام و اوامر الهی)

در قیاس با ویژگی‌های خلیفه اول و دوم، خصائص امیرالمؤمنین ﷺ هم قابل توجه است: داماد پیامبر ﷺ، مرد نسبتاً جوان که حدود ۳۶ سال دارد (حدود ۲۴ سال اختلاف با ابوبکر) و در اجرای احکام الهی قاطع و محکم و بی‌اغماض است تا جایی که رسول خدا ﷺ از ایشان با تعبیر «خشن فی ذات الله»<sup>۳</sup> یاد می‌کند. در حدیث مناشده مجموعه مفصل و بی‌ظنیری از اختصاصات و امتیازات امیرالمؤمنین ﷺ به بیان خودشان ارائه شده است.<sup>۴</sup> اما با این حال و بیش از هر ویژگی دیگر،

۱. آل عمران (۳): ۱۵۴.

۲. فتح (۴۸): ۲۶.

۳. مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۷۳.

۴. دیلمی، إرشاد القلوب إلی الصواب، ج ۲، ص ۲۶۴؛ و نیز بنگرید به: ابن طاووس، الطوائف فی معرفة مذاهب

الطوائف، ج ۲، ص ۴۱۴.

صلابت در اجرای احکام و روحیه عدالت محض بود که مانع گرایش مردم به رهبری امام علیه السلام می‌شد و بقیه موارد در واقع بهانه‌ای بیش نبود.

۴. **حس انتقام‌جویی عرب و کینه آنان از امیرالمؤمنین علیه السلام به سبب جنگ‌های صدر اسلام**  
بی‌تردید شجاعت امام علیه السلام و جنگاوری او در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله اساسی‌ترین علت در کینه‌ورزی نسبت به آن حضرت است. امام خود در **نهج‌البلاغه** می‌گوید:

من در دوران جوانی بزرگان و شجاعان عرب را به خاک افکندم و پهلوانان قبیله ربیعه و مضر را در هم شکستم.<sup>۱</sup>

کینه داشتن از علی علیه السلام آن هم از مردمی که هنوز اسلام در دل‌هایشان رسوخ نکرده، طبیعی است. در جنگ بدر هفتاد نفر از سپاه مشرکان کشته شدند که بیش از سی نفر از آنان را حضرت علی علیه السلام کشته بود و در احزاب، پهلوان بزرگ عرب؛ عمرو بن عبدود را<sup>۲</sup> در بیانی از حضرت زهرا علیها السلام در جمع زنان مهاجر و انصار نیز این نکته به چشم می‌آید:

این رفتار شما با علی علیه السلام به سبب کینه‌های بدر و انتقام‌جویی احد است. این کینه‌ها در قلوب منافقان مخفی بود و جرات اظهار آن را نداشتند؛ اما، روزی که حکومت را غصب کردند و ما را منزوی نمودند، تمام کینه‌ها و حسادت‌ها را بر ما فروریختند.<sup>۳</sup>

بسیاری از قبایل عرب جاهلی به انتقام‌جویی و کینه‌توزی مشهور و معروف بودند و اگر در تاریخ عرب جاهلی می‌خوانیم که حوادث کوچک همواره رویدادهای بزرگی را به دنبال داشته است، به این جهت بوده است که هیچ‌گاه از فکر انتقام بیرون نمی‌آمدند. درست است که آنان در پرتو اسلام تا حدی از سنت‌های جاهلانه دست کشیدند و تولدی دوباره یافتند؛ اما چنان نبود که این نوع احساسات کاملاً ریشه‌کن شده، اثری از آنها در زوایای روح آنان باقی نمانده باشد؛ بلکه حس انتقام‌جویی پس از اسلام در روحیه اعراب مشهود بود.

به نظر می‌رسد این عامل را باید یکی از مهم‌ترین عوامل و مؤثرتر از بقیه موارد در نظر گرفت.

۱. **نهج‌البلاغه**، خطبه ۱۹۳.

۲. ابن شهر آشوب، **مناقب آل ابی طالب علیهم السلام**، ج ۲، ص ۲۰۵؛ مجلسی، **بحارالأنوار**، ج ۴۳، ص ۱۵۷.

۳. همان، ص ۱۵۶.

### ۵. فقدان بصیرت و کوتاه‌نگری مسلمانان

رفتاری که از مسلمانان و حتی دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام سرزد و قصوری که در یاری ایشان از خود نشان دادند، حاکی از فقدان بصیرت و بی‌توجهی آنان نسبت به عواقب رفتارشان است. درحالی‌که پیشاپیش قرآن هشدار داده بود مسلمانان پس از مرگ یا شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دچار تعرب بعد الهجره و بازگشت به فرهنگ جاهلی نشوند.<sup>۱</sup> شاید اگر آنان با کمی دقت و تحلیل رفتار آتی حاکمان را حدس می‌زدند واکنش‌شان متفاوت می‌شد و اگر آنچه در دوره اموی و عباسی بر سر اسلام آورده شد در دایره حساسیت‌های آنان قرار می‌گرفت، به راحتی چشم بر زحمات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌بستند.

### ۶. غلبه فرهنگ جاهلی بر فرهنگ اسلامی به سبب وفور تازه مسلمانان

اسلام با مهاجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان به مدینه و همراهی صمیمانه انصار با آنان، در نسبت با دوران مکه جهش قابل توجهی پیدا کرد با فتح مکه گرایش مردم به اسلام گسترده‌تر شد و بسیاری از قبایل با انگیزه‌ها و علل گوناگون (ترس از عاقبت خود، جوزدگی، قبیله‌گرایی، فضای آزاد فراهم شده و ...)، اسلام را پذیرفتند. این جمعیت که عموماً تنها سال آخر حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را درک کرده بودند اسلام سطحی داشتند و از همه آموزه‌ها و احکام اسلامی اطلاع کافی نداشتند. تعدادی از این مسلمانان در حجة‌الوداع با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حج مشرف و با بخشی از احکام و تعالیم اسلام آشنا شدند و طبیعی بود که همه آنان در یک سطح نباشند. بنابر نقل منابع تاریخی عده‌ای از تازه مسلمانان اساساً تلقی درستی از اسلام و نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نداشتند و به راحتی و پس از رحلت پیامبر از اسلام دست کشیده، به جاهلیت پیشین خود بازگشتند و در قالب برخی از جنگ‌های رده با آنان برخورد شد.<sup>۲</sup> چنان‌که اکنون نتیجه نهایی انتخابات با مدیریت آرا به اصطلاح خاکستری و افراد بی‌طرف تعیین می‌شود، نتیجه نهایی سقیفه با مدیریت این گروه از مسلمانان به نتیجه رسید.

### پنج. دلایل سیاسی

دلایل سیاسی را به‌عنوان تکمیل‌کننده دلایل مدیریتی می‌توان چنین دید:

#### ۱. ایجاد جنگ روانی در سقیفه از طریق اختلاف‌افکنی میان اوس و خزرج

ابوبکر در قسمتی از خطبه خود در سقیفه در جمع انصار چنین گفت:

۱. آل عمران (۳): ۱۴۴.

۲. لازم به یادآوری است همه آنان که در قالب جنگ‌های رده سرکوب شدند، مرتد نبودند که در ادامه مطلب به این دسته دوم نیز خواهیم پرداخت.

اگر خزرج داوطلب این مقام بشود، مسلم است که اوس تن در نخواهد داد و همچنین اگر اوس داوطلب شود، بدیهی است که خزرج تن در نخواهد داد. در نتیجه زد و خورد و کشتاری در میان دو قبیله روی خواهد داد که هیچ‌گاه فراموش نشود و جراحتهای علاج ناپذیری وارد خواهد آمد. و اگر کسی از میان شما برخیزد و صدایی بلند کند، مثل این است که در میان چنگال شیری گرفتار شده باشد که مهاجر او را بجود و انصار او را مجروح کند.<sup>۱</sup>

این سخنان بین اوس و خزرج اختلاف می‌اندازد و آتش کینه‌های اوس و خزرجی پیش از اسلام آنان را از نو شعله‌ور و رگه‌های تعصب جاهلی را زنده می‌کند و آنچه را که رسول ﷺ سال‌ها برای آن خون دل خورده بود بر باد می‌دهد. در ادامه همین گزارش آمده است که ابن دأب عیسی بن زید می‌گوید: ابوبکر آخرین تیری را که در ترکش داشت علیه این جمعیت به کار برد.

## ۲. عقب‌نشینی حضرت علی علیه السلام برای حفظ دین و ممانعت از سوءاستفاده‌کنندگان

هرچند امام علی علیه السلام در برابر حق از دست رفته خود تا آنجا که می‌شد انتقاد و اعتراض کرد؛ اما زمانی که اصل اسلام را در خطر دید عقب نشست و بر حق خود چشم پوشید. امام در خطبه شقشقیه فرمود:

من ردای خلافت را رها ساختم و دامن خود را از آن در پیچیدم (و کنار رفتم)، درحالی‌که در این اندیشه فرو رفته بودم که آیا با دست تنها (بدون یاور) بپاخیزم (و حق خود و مردم را بگیرم) و یا در این محیط پرخفقان و ظلمتی که پدید آورده‌اند، صبر کنم؟ محیطی که پیران را فرسوده، جوانان را پیر و مردان با ایمان را واپسین دم زندگی به رنج و آسودگی می‌دارد. (عاقبت) دیدم بردباری و صبر، به عقل و خرد نزدیک‌تر است، لذا شکیبایی ورزیدم، ولی به کسی می‌ماندم که خار در چشم و استخوان در گلو دارد، با چشم خود می‌دیدم میراثم را به غارت می‌برند.<sup>۲</sup>

اما چرا امام سکوت کرد. و در برابر غارت میراث خویش واکنش جدی نشان نداد؟ در پاسخ باید گفت اولاً؛ اگر همان تعداد اندک یاران و همراهان حضرت به راحتی در جنگ‌های داخلی کشته می‌شدند حتی اگر خود امام علیه السلام شهید نمی‌شد ناگزیر بود تنها تر از قبل مسیر را ادامه دهد و اصل درگیری داخلی باعث تضعیف اسلام می‌شد و دشمنان را برای نابود کردن آن حریص‌تر از قبل می‌کرد.<sup>۳</sup>

۱. جاحظ، *البیان والتبیین*، ج ۳، ص ۱۹۹.

۲. *نهج البلاغه*، خطبه ۳.

۳. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۳۰۸.

ثانیاً؛ اکثر تازه مسلمانان که بهره‌چندانی از اسلام نبرده بودند با بروز درگیری داخلی پرچم ارتداد را برافراشته و حکومت اسلامی را تهدید می‌کردند. به‌رغم عقب‌نشینی امام علیه‌السلام باز این اتفاق افتاد و سپاه بزرگ مسیلمه متنبی که به مراتب بزرگتر از سپاه احزاب بود، برای نبرد با مسلمانان از یمن راهی مدینه شد. امام علیه‌السلام در یکی از نامه‌های خود خطاب به مردم مصر به این نکته اشاره کرده، می‌فرماید: «... تنها چیزی که مرا ناراحت کرد، اجتماع مردم در اطراف فلانی (ابوبکر) بود که با او بیعت کنند. (وقتی که چنین وضعی پیش آمد) دست نگه داشتم تا اینکه با چشم خود دیدم گروهی از اسلام بازگشته و می‌خواهند دین محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نابود سازند. [در اینجا بود] که ترسیدم اگر اسلام و اهلس را یاری نکنم، باید شاهد نابودی و شکاف در اسلام باشم که مصیبت آن برای من از محروم شدن از خلافت و حکومت بر شما بزرگ‌تر بود؛ زیرا این بهره‌دوران چند روزه دنیا است که زایل و تمام می‌شود، همان‌طور که سراب تمام می‌شود و یا ابرها از هم می‌پاشد.»<sup>۱</sup>

ثالثاً؛ گروهی از تازه مسلمانان تلاش داشتند اصطلاحاً از آب گل آلوده ماهی بگیرند و به بهانه حمایت از یک طرف بهره‌برداری سیاسی بنمایند. در رأس اینان می‌توان به ابوسفیان اشاره کرد که به‌طور رسمی به امام علیه‌السلام پیشنهاد یاری داد و در خانه امام علی علیه‌السلام اشعاری در مدح ایشان سرود که:

فرزندان هاشم! سکوت را بشکنید تا مردم، مخصوصاً قبیله‌های تیم و عدی در حق مسلم شما چشم طمع ندوزند.  
امر خلافت مربوط به شما و به‌سوی شماست و برای آن جز حضرت علی کسی شایستگی ندارد.

امام علیه‌السلام در پاسخی محکم به او فرمود: «تو در پی کاری هستی که ما اهل آن نیستیم.»<sup>۲</sup> و سپس او را ملامت کرد و یادآور شد: «تو جز فتنه و آشوب هدف دیگری نداری. تو مدت‌ها بدخواه اسلام بودی. مرا به نصیحت و پند و سواره و پیاده تو نیازی نیست.»<sup>۳</sup>

ابوسفیان اختلاف مسلمانان را درباره جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سلم به خوبی دریافت و درباره آن چنین تحریک‌آمیز می‌گفت: «طوفانی می‌بینم که جز خون چیز دیگری نمی‌تواند آن را خاموش سازد.»<sup>۴</sup> رابعاً؛ تهدیدهای خارجی و به خصوص تهدید رومیان که ممکن بود هزینه سنگینی را برای اسلام

۱. نهج‌البلاغه، نامه ۴۲.

۲. مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۲، ص ۴۵.

۴. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۲۰۹؛ ابن‌اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۳۲۶.

رقم بزنند مانع اقدام امام شد. امام علیه السلام با در نظر گرفتن مجموعه این تهدیدات داخلی و خارجی چاره‌ای جز سکوت و صبر نداشت تا نهال نوپای اسلام توانمندتر شود.

### شش. دلایل اقتصادی

در حوزه اقتصادی گردانندگان سقیفه از سویی عرصه را برای مخالفان خود تنگ کردند و از سوی دیگر با بذل و بخشش از بیت‌المال به جمع آرا خاکستری و افراد و طرفداران رقبای خود پرداختند.

#### ۱. حذف منابع مالی مخالفان: خمس و فدک

در نظام دینی تعریف شده رسول خدا ﷺ دو منبع مالی برای رفع نیازهای عادی و اضطراری اهل بیت علیهم السلام در نظر گرفته شده بود که هر دو آنها در حکومت جدید حذف شد:

##### ۱-۱. تصرف فدک

پس از ماجرای سقیفه و تصاحب خلافت، نخستین اقدام گردانندگان سقیفه این بود که فدک را از تصرف حضرت زهرا علیها السلام خارج کند؛ از این رو دستور داد وکیل آن حضرت را از فدک اخراج کردند و آن را به بیت‌المال ملحق نمودند.

##### ۱-۲. خمس

خمس ارباب پشتیبان مالی دوم اهل بیت علیهم السلام و سادات بود که در تصرف حکومت قرار گرفت. بر اساس منابع تاریخی حضرت فاطمه علیها السلام از ابوبکر خواست تا ارث پیغمبر خدا ﷺ را از آنچه خداوند در مدینه و فدک به وی بخشیده و آنچه از خمس خیر باقی مانده بود، به وی تسلیم کند، ولی ابوبکر امتناع ورزید و از آنها چیزی به حضرت فاطمه علیها السلام نداد.<sup>۱</sup> البته این در حالی بود که خمس غنائم جنگی برای مصرف به دستور خلیفه باقی ماند.

با حذف این دو پشتوانه مالی عملاً تحریم اقتصادی مخالفان حکومت رخ می‌دهد. هرچند با درایت امیرالمؤمنین علیه السلام در سال‌های بعد در قالب موقوفات و حفر چاه‌ها و ایجاد باغ‌ها و نخلستان‌های متعدد تا حدودی این مسئله جبران می‌شود.<sup>۲</sup>

#### ۲. جلب آرای خاکستری توده مردم با تطمیع مالی

وقتی ابوبکر بر سر کار آمد، پولی در میان مهاجر و انصار تقسیم کرد و در این میان قدری را برای

۱. برای نمونه بنگرید به: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۱۷.

۲. بنگرید به: دشتی، امام علی علیه السلام و اقتصاد، ص ۲۷۰ به بعد.

زنی از انصار فرستاد. زن می پرسد: این پول برای چیست؟ گفتند، پولی است که ابوبکر داده و سهمی نیز به تو رسیده است! زن گفت: آیا می خواهید در امر دین به من رشوه دهید؟ به خدا سوگند! هرگز چیزی از آن را نخواهم پذیرفت.<sup>۱</sup> این گزارش تاریخی به خوبی گویای تلاش حاکمیت جدید برای تألیف قلوب عمومی از طریق تطمیع مالی مردم است.

## هفت. دلایل اعتقادی

### ۱. جعل حدیث، تحریف لفظی و معنوی روایات و سوء استفاده از باورهای دینی

در ماجرای سقیفه هم شاهد جعل حدیث هستیم که حدیث «ما گروه پیامبران از خود میراث به جا نمی گذاریم» جعل و به پیامبر نسبت داده می شود و هم تحریف لفظی رخ می دهد و روایات «امامان (یا خلفا) از قریش و بنی هاشم هستند» قید بنی هاشم حذف می شود. همچنین با تحریف معنوی، مصداق های خلفا و امامان را از شخصی به نوعی تغییر دادند، گویا رسول خدا ﷺ هیچ فرد خاصی را مد نظر نداشته اند. در برابر این دسته جعل و تحریف، متأسفانه عکس العمل بجا و منطقی از اصحاب به چشم نمی خورد.

### ۲. نافرمانی از رسول خدا ﷺ در همراهی سپاه اسامه

نکته جالب این است که در موعده رخداد سقیفه، ابوبکر و عمر می بایست در لشکر اسامه حضور داشته باشند، درحالی که ابوبکر تا آن زمان در منزلی در سنج بود و عمر در مدینه! در ماه محرم سال یازدهم، رسول گرامی خدا ﷺ مسلمانان را فرمان داد تا برای گسیل به مرزهای روم از جانب شام آماده شوند. پیامبر ﷺ اسامه بن زید را - که کمتر از ۲۰ سال داشت - فرمانده این لشکر کرد و برخی از صحابه چون ابوبکر، عمر بن خطاب، ابوعبیده بن جراح و سعد بن ابی وقاص را فرمان اکید داد تا هرچه زودتر به فرماندهی زید جوان راهی مرزهای روم شوند.<sup>۲</sup>

ابن ابی الحدید می نویسد: «می توان احتمال داد که فرا خواندن اسامه از اردوگاه و جلوگیری از حرکت سپاه وی توسط برخی از همین حاضران پیرامون بستر پیامبر، به قصد اعمال برخی از اغراض انجام گرفته باشد.»<sup>۳</sup>

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۲۶؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۸۰ (چاپ زکار، ج ۲، ص ۲۶۰).

۲. همان، ص ۴۷۴ (چاپ زکار، ج ۲، ص ۱۱۵)؛ مسعودی، التنبيه والإشراف، ص ۲۴۱؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۳ و ...

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۹۰ - ۸۲.



در ماجرای اسامه چند نکته به‌طور جدی جلب توجه می‌کند:

اول اینکه کسانی به دستور رسول خدا ﷺ باید حتماً در آن سپاه حاضر می‌شدند و از مدینه می‌رفتند که طی روزها و حتی سال‌های بعد، برای امیرالمؤمنین ﷺ مانع تراشی کردند و مشکل ساز شدند. گویا ایشان درصدد دور ساختن مخالفان جانشینی امام علی ﷺ از مدینه بود.

دومین نکته مهم و قابل توجه انتصاب جوانی کمتر از ۲۰ ساله به فرماندهی لشکر و توجه نکردن به اعتراضات اصحاب گویا برای از کار انداختن مهم‌ترین<sup>۱</sup> دستاویز مخالفان جانشینی علی ﷺ بود. وقتی اسامه بن زید که از هیچ جهتی سر آمد اصحاب به‌شمار نمی‌آمد و با این حال فرمانده سپاهی عظیم و متشکل از بزرگان صحابه (ابوبکر، عمر، ابو عبیده جراح، عثمان، طلحه، زبیر، عبدالرحمان بن عوف و سعد بن ابی وقاص و ...) شد، پس امیرالمؤمنین با آن همه فضایل و سابقه درخشانی که دارد، می‌تواند حاکم جامعه اسلامی بشود و سن و جوانی او نباید مانع این مهم تلقی گردد.

نکته سوم تأکید مضاعف رسول خدا ﷺ نسبت به اعزام سپاه بود تا آنچه که ایشان کسانی را که به بهانه بیماری پیامبر اکرم ﷺ از اردوگاه به مدینه باز می‌گشتند، با جمله تأکیدی «لعن الله من تخلف عن جيش اسامة»<sup>۲</sup> مورد تندترین عتاب قرار دادند و این در حالی بود که یاران و موافقان جانشینی امام علی ﷺ مانند عمار، مقداد و سلمان از حضور در این سپاه معاف و ملزم شده بودند در مدینه باقی بمانند.

البته گردانندگان سقیفه به‌رغم تأکیدهای آمیخته با لعن رسول خدا ﷺ دستور ایشان را تمکین نکردند تا بتوانند حوادث را به نحو مطلوب خود مدیریت کنند.

## نتیجه

از مجموعه گزارش‌های بیان شده در منابع تاریخی می‌توان دلایل موفقیت گردانندگان سقیفه را چنین برشمرد:

حالت شوک و بهت روحی مسلمانان به‌واسطه رحلت رسول خدا ﷺ، نافرمانی از رسول خدا ﷺ در همراهی سپاه اسامه، جلب آرای خاکستری توده مردم با تطمیع مالی، حذف منابع مالی مخالفان: خمس و فدک، جنگ روانی و مدیریت سقیفه از طریق اختلاف‌افکنی میان اوس و خزرج،

۱. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۴۶.

۲. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۰۲ (چاپ زکار، ج ۳، ص ۳۲۵)؛ طبری املی، المسترشد فی إمامة علی بن ابی طالب ﷺ، ص ۱۱۶؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۴۳۲.

عقب‌نشینی حضرت علی علیه السلام برای حفظ دین نوپای اسلام و میدان ندادن به سوءاستفاده‌کنندگان، روحیات و خصایص امیرالمؤمنین علیه السلام، همچون جوانی، قاطعیت در اجرای احکام و اوامر الهی، جعل حدیث، تحریف لفظی و معنوی روایات و سوء استفاده از باورهای دینی، حس انتقام‌جویی عرب و کینه‌های آنان از امیرالمؤمنین علیه السلام به سبب جنگ‌های دوره مدینه، رسوخ عقاید جاهلی، روحیات شخصی ابوبکر، همانند شیخوخت و سبقت در اسلام و نسبت خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله، فقدان بصیرت و کوتاه‌نگری مسلمانان، کثرت جمعیتی تازه مسلمانان در مقایسه با دیگر صحابه، برنامه‌ریزی و آمادگی قبلی گردانندگان سقیفه، بیعت سه مرحله‌ای سرعت عمل گردانندگان سقیفه در زمان اشتغال بنی‌هاشم به امر دفن، برخورد قاطع و محکم و در عین حال متنوع با مخالفان پشتیبانی نظامی قبیله بنی اسلم، جمع نشدن یاران و مدافعان حضرت علی علیه السلام در زمان و مکان واحد، روحیات شخصی عمر بن خطاب نظیر عصبیت و خشونت در اجرای خواسته‌ها، ترس و هراس مسلمانان، بهانه عدم تجدید بیعت و کمبود یاران وفادار و شجاع برای حضرت علی علیه السلام.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر - دار بیروت، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.
۵. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد الجزری، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۸. ابن سعد، محمد بن منیع الهاشمی البصری، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.

۱۰. ابن طاووس، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، قم، خیام، ۱۴۰۰ ق.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی، *طرف من الأبناء و المناقب*، مشهد، تاسوعا، ۱۴۲۰ ق.
۱۲. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
۱۳. ابن عبدربه اندلسی، *العقد الفرید*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. ابن قتیبہ الدینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، *الإمامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
۱۶. ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م.
۱۷. ابن هشام، عبدالملک الحمیری المعافری، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۱۸. بسوی، أبو یوسف یعقوب بن سفیان، *کتاب المعرفة و التاریخ*، تحقیق اکرم ضیاء العمری، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م.
۱۹. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *کتاب جمل من انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م.
۲۰. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*، تحقیق عبدالمعطی قلجعی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
۲۱. جاحظ، *البيان و التبيين*، بیروت، دار و مکتبه هلال، ۱۴۲۳ ق.
۲۲. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۳. دشتی، محمد، *امام علی علیه السلام و اقتصاد*، تهران، مؤسسه فرهنگي - تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۹.
۲۴. دیلمی، شیخ حسن، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.
۲۶. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، تصحیح شیخ احمد فهمی محمد.
۲۸. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.

- ۱۳۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۵، تابستان ۹۳، ش ۱۵
۲۹. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، *المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیهما السلام*، قم، کوشانیپور، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ / ۱۹۶۸۷ م.
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۳۳. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، *شرح الکافی*، تهران، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ ق.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، *التنبيه و الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دارالصاوی، بی تا (افست قم، مؤسسه نشر المنابع الثقافة الاسلامية).
۳۶. مفید، محمد بن محمد، *الإختصاص*، قم، المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید - ایران، ۱۴۱۳ ق.
۳۷. \_\_\_\_\_، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۸. \_\_\_\_\_، *الجمال و النصره لسید العتره فی حرب البصرة*، قم، کنگره شیخ مفید - ایران، ۱۴۱۳ ق.
۳۹. مقدسی، مطهر بن طاهر، *البدء و التاريخ*، بور سعید، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
۴۰. نویری، شهاب‌الدین، *نهاية الأرب فی فنون الأدب*، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومية، ۱۴۲۳ ق.
۴۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی تا.